

The Role of Social Security Commission in 1960s Land Reform of Iran

Seyyed Mahmoud Sadat Bidgoli¹

Abstract:

Purpose: The Iranian government in the early 1960s implemented a thorough land reform policy. Opposition to the policy increased due to hasty implementation of the law and the lack of justification of the target community. The government used the Social Security and Exile Commission to suppress the opposition.

Method and Research Design: A wide range of archival documents and published resources, were used to collect data.

Finding and Conclusion: The Commission exile punishment to suppress the opposition. The main reason for that was the fact that landlords did not receive their share of harvest and disruption occurred in agricultural activities. The number of exiles diminished as opposition ceased to continue except in few cases as both landlords and farmers accepted new conditions. A bill passed the national parliament to pardon those who were exiled. Overall, the performance of the Social Security Commission was successful in its mandate.

Keywords: Land Reform ; Iran; Social Security Commission; Landlords; Farmers.

Citation: Sadat Bidgoli, Seyyed Mahmoud . (2020). The Role of Social Security Commission in 1960s Land Reform of Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 30 -53. doi: 10.22034/ganj.2020.2576

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, I. R. Iran

sadat@ri-khomeini.ac.ir

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2576

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 30- 53 (24) | Received: 28, Jul. 2018 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research

تحلیل نقش کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی

سید محمود سادات بیدگلی^۱

چکیده:

هدف: حکومت ایران در اوایل دههٔ چهل به دنبال اجرای اصلاحات ارضی برآمد. اجرای این قانون مخالفت‌هایی را به دنبال داشت که میزان آن به دلیل عجلهٔ مجریان قانون و توجه نبودن جامعهٔ هدف، زیاد بود. حکومت از ابزار تبعید به دست کمیسیون امنیت اجتماعی برای تنبیه مخالفان استفاده کرد. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. آیا کمیسیون امنیت اجتماعی توانست با استفاده از ابزار تبعید بر نحوهٔ اجرای قانون اصلاحات ارضی تأثیر بگذارد؟ ۲. مؤلفه‌های تبعید مخالفان قانون اصلاحات ارضی چه بود؟
روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده گسترده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: کمیسیون امنیت اجتماعی از ابزار تبعید برای تنبیه مخالفان حکومت استفاده می‌کرد. سرعت اجرای قانون اصلاحات ارضی باعث گسترش مخالفت‌ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید برای مخالفان این قانون هم شد. علت عمدهٔ تبعیدها، ندادن بهرهٔ مالکانه، و ایجاد اختلال در امر زراعت بود. کنش سیاسی تبعیدیان بعد از پایان مدت تبعید نشان می‌دهد که جز در موارد استثنایی، مالکان و زارعان شرایط جدید را پذیرفتند. کاهش تعداد تبعیدها بعد از سال ۱۳۴۲ نشان می‌دهد که از میزان مخالفت‌ها کاسته شده و به تبع آن تعداد تبعیدها هم کم شده است. بخشش تبعیدیان و تصویب ماده قانونی برای این کار نشان می‌دهد که حکومت فقط برای اجرای آسان‌تر قانون اصلاحات ارضی، به دنبال دورکردن موقتی مخالفان این قانون از محل زندگی خود بوده و این تبعیدها جنبهٔ پیشگیرانه داشت. عملکرد کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی در مجموع مثبت ارزیابی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات ارضی؛ کمیسیون امنیت اجتماعی؛ تبعید؛ تبعیدیان؛ مالک؛ زارع.

استناد: سادات بیدگلی، سید محمود. (۱۳۹۹). تحلیل نقش کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی.

گنجینهٔ اسناد، ۳۰ (۳)، ۵۳ - ۳۰ | doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰,۲۵۷۶



فصلنامهٔ تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقالهٔ پژوهشی

۱. استادیار تاریخ پژوهشکدهٔ امام خمینی و
انقلاب اسلامی، تهران، ایران
sadat@ri-khomeini.ac.ir



گنجینهٔ اسناد

«۱۱۹»

فصلنامهٔ علمی | سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ج.ا.ایران - پژوهشکدهٔ اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانهٔ برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰,۲۵۷۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۳۰- ۵۳ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

۱. بیان موضوع

انجام برخی از اصلاحات در جامعه، مخالفت‌هایی را به دنبال دارد؛ وقتی این اصلاحات به حوزه مالکیت افراد وارد شود، واکنش‌ها شدیدتر می‌شود. حکومت ایران در اوایل دههٔ چهل، به دنبال تغییراتی در نظام مالکیت زمین‌های زراعی و خرید زمین‌های مالکان و تقسیم آن بین زارعان برآمد. اجرای این قانون مخالفت‌هایی را به وجود آورد که میزان آن به دلیل عجلهٔ مجریان این قانون و توجیه‌نبودن جامعه زیاد بود. ابزار حکومت برای سرکوب مخالفان اصلاحات ارضی، کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت اجتماعی بود. این کمیسیون در زمان مصدق برای سرکوب مخالفان ایجاد شده بود و در ابتدا قرار بود به مسائل امنیتی پردازد؛ ولی اضافه‌شدن بندهایی به قانون تأسیس آن، رسیدگی به جرائم مرتبط با اصلاحات ارضی را هم در حوزهٔ شمول آن آورد. کیفری که کمیسیون برای تنبیه مخالفان از آن استفاده می‌کرد تبعید بود.

این پژوهش به دنبال آن است تا با استفادهٔ گسترده از اسناد و مدارک آرشیوی باقی مانده از پرونده‌های اصلاحات ارضی، و منابع اصلی به پاسخ به این پرسش‌ها پردازد که آیا کمیسیون امنیت اجتماعی توانست با استفاده از ابزار تبعید بر نحوهٔ اجرای قانون اصلاحات ارضی تأثیر بگذارد؟ مؤلفه‌های تبعید مخالفان قانون اصلاحات ارضی چه بود؟

۲. پیشینهٔ پژوهش: در زمینهٔ اصلاحات ارضی آثار بسیاری تألیف و ترجمه شده است

که به روند اجرای این قانون و اثرات آن بر جامعهٔ روستایی پرداخته‌اند؛ ولی دربارهٔ تبعیدیان اصلاحات ارضی، هیچ پژوهشی تاکنون انجام نشده است.

اصلاحات ارضی، اصلاحاتی از بالا به پایین بود که برای اجرای آن باید زمینهٔ اجتماعی آماده می‌شد و جامعهٔ هدف توجیه می‌شد؛ ولی دولت به جای توجیه جامعهٔ هدف، به گسترش دامنهٔ شمول وظایف و اختیارات کمیسیون امنیت اجتماعی افزود. وظیفهٔ ابتدایی کمیسیون امنیت اجتماعی رسیدگی به موارد امنیتی بود؛ ولی با اصلاح قانون، وظیفهٔ برخورد با مخالفان و منتقدان اصلاحات ارضی هم به وظایف این کمیسیون اضافه شد.

انجام اصلاحات از بالا به پایین از ویژگی‌های حکومت‌های رانتیر است. ادارهٔ این نوع حکومت‌ها بر اساس مالیاتی که جامعه می‌پردازد نیست؛ بنابراین این نوع حکومت‌ها به مردم پاسخگو نیستند. این حکومت‌ها با فروش نفت و سایر منابع خام درآمد کسب می‌کنند و بدون پشتوانهٔ اجتماعی اصلاحاتی را تدارک می‌بینند که برای اجرای آن با مخالفت‌هایی روبه‌رو می‌شوند.



۳. اصلاحات ارضی

آمریکایی‌ها در انتهای دهه ۱۳۳۰ در ایران مطالعاتی انجام دادند و جامعه ایران را دچار بحران دیدند. در این مقطع زمانی، کشورهای غربی نگران بودند که در پی نارضایتی‌های دهقانی در کشورهای دنیا اندیشه کمونیسم گسترش یابد؛ بنابراین برای پیشگیری از این موضوع انجام اصلاحات ارضی و تغییرات مالکیت زمین را در مصر، سوریه، عراق، پاکستان، ونزوئلا و ایران برنامه‌ریزی کردند. اصلاحات ارضی در کشورهایی که کمونیست‌ها حاکم شده بودند در قالب مصادره زمین‌های مالکان و ایجاد مزارع اشتراکی انجام شده بود. صاحبان زمین در چین، ویتنام و شوروی اعدام شده بودند و زمین‌های آن‌ها مصادره شده بود.^۱

آمریکا هم طرح‌هایی را برای اصلاحات ارضی در کشورهای تحت سلطه خود در آمریکای لاتین اجرا کرد؛ ولی در آنجا با شکست مواجه شد (تحلیلی از شرایط جامعه روستایی...، ۱۳۵۷، ص ۳۵). هانتینگتون معتقد است: «روستاییان زمانی انقلابی می‌شوند که اوضاع مالکیت زمین، اجاره‌دادن، کار، مالیات و قیمت‌ها برایشان تحمل‌ناپذیر باشد» (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۱).

در ایران نیز محمدرضا شاه در پی اصلاحاتی در نظام مالک و زارع و زمین‌داری و کشاورزی برآمد که سرانجام به برنامه اصلاحات ارضی منجر شد. یکی از علل تهیه این طرح در ایران، فعالیت‌های گسترده حزب توده در روستاها بود. توده‌ای‌ها تبلیغ می‌کردند که نظام ارباب‌رعیتی باید از بین برود. شعبات حزب توده در روستاها تشکیل می‌شدند و تبلیغ می‌کردند که چرا رعیتی که در تمام ۲۴ ساعت در آفتاب تابستان و سرمای زمستان با مشقت کار می‌کند، باید دسترنج خود را به شخص دیگری تقدیم کند. البته همه مالکان هم به استثمار رعیت نمی‌پرداختند؛ بعضی مهربان بودند و با رعایای خود مماشات می‌کردند؛ ولی بعضی هم زورگو بودند و مماشات نمی‌کردند (سالور، ۱۳۹۴، ص ۱۹)؛ ولی حزب توده علیه همه مالکان تبلیغات می‌کرد. دومین علت اجرای اصلاحات ارضی، اقدامات پیشه‌وری در آذربایجان بود. او حقوق مالکان را ملغی کرد. عده‌ای از مالکان تسلیم شدند و برخی هم که تسلیم نشدند از آذربایجان و زنجان فرار کردند. این کار در روستاهای دیگر نیز تبلیغ می‌شد که می‌توان مالکان را فراری داد و زمین‌ها را تصاحب کرد؛ به طوری که از این پس بسیاری از مالکان، جرئت ماندن در روستای خود را نداشتند و دورادور و از طریق مباشران خود، ده را اداره می‌کردند. گرچه هنوز مالکیت از بین نرفته بود، ولی پایه آن در سراسر کشور سست شده بود. تحت فشار دهقانان «لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی» در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۱ در ۳۸ ماده و

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک.: ویلسون، آندرو. (۱۳۵۹). کمونیسم: وعده و عمل. تهران: نهضت آزادی رهبری ایران، صص ۵۵-۷۲؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از ضرورت اجرای برنامه اصلاحات ارضی در هندوستان، عراق و مصر رجوع کنید به: ژوکف، ی. و دیگران. (۱۳۵۷). ضرورت اصلاحات ارضی و اجتماعی در جهان سوم. (حسین اسدیپور پیرانفر، مترجم). تهران: بی‌نا؛ سازمان چریک‌های فدائی خلق. (۱۳۵۸). مسأله ارضی در ویتنام. تهران: انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق.



۳ تبصره به تصویب دولت دکتر مصدق رسید. ماده اول این قانون اخذ عوارض اضافی را ممنوع کرد و مالک فقط می توانست بهره مالکانه دریافت کند (تحلیلی از شرایط جامعه روستایی...، ۱۳۵۷، ص ۳۱). شاه می خواست اصلاحات ارضی را در اواخر دهه ۱۳۳۰ اجرا کند؛ ولی مخالفت آیت الله بروجردی مانع از اجرای آن شد. سالور که مجری اصلاحات ارضی بوده است می نویسد: «از قراری که بنده اطلاع دارم آیت الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۳۸ با ارسال نامه ای به دربار با این قضیه مخالفت ضمنی کرده بودند. ایشان در نامه خود نوشته بودند که اگر قصد چنین کاری دارید، بایستی به مالکین املاک، قیمت عادلانه پردازیید. این بود که موضوع مسکوت ماند و تا زمانی که ایشان در حیات بودند کاری در این زمینه صورت نگرفت» (سالور، ۱۳۹۴، ص ۴۴).

ارسنجانای اجرای این اصلاحات را ضروری می دانست. «مالکین و اربابان بزرگ که دشمنان من هستند، باید این حقیقت را درک کنند که اگر اصلاحات ارضی را در مملکت اجرا نمی کردیم، جبر تاریخ آن را اجرا می کرد» (ارسنجانای، ۱۳۴۱، ص ۱۵۵). علی امینی منکر ارتباط اصلاحات ارضی با آمریکایی هاست و آن را فکر خودش می داند که با انقلاب سفید نیز ارتباطی نداشته است (خاطرات دکتر علی امینی، ۱۹۸۶، ص ۳۹)؛ ولی این ادعا صحیح به نظر نمی رسد، زیرا اصلاحات ارضی جزئی از اصول انقلاب سفید بوده است. امینی چون می دانست که زمین دارانی بزرگ در مجلس شورای ملی هستند و با قانون اصلاحات ارضی مخالفت خواهند کرد، اصلاحات ارضی را به فرزندم گذاشت. او در گفت و گو با دونالد ویلبر گفت که مجالس چه خوب چه بد سد راه اصلاحات هستند (Prime Minister Ali Amini, 1963, p126). اصلاحات ارضی بخش عمده انقلاب سفید شاه را تشکیل می داد و شامل چند مرحله بود. در اولین مرحله زمین داران بزرگ می بایست تمام زمین های خود را به استثنای یک روستا به دولت می فروختند تا میان دهقانانی که بر روی زمین کار می کردند تقسیم شود. براساس مرحله دوم، مالکان یک روستا می توانستند یا باقی مانده املاک خود را به دهقانان بفروشند یا املاک خود را در میان دهقانان تقسیم کنند (راهنمای مأموران اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۱۱).

قانون اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۱ تصویب شد. این قانون در ظاهر، صورت اصلاح شده قانون سال ۱۳۳۹ بود؛ ولی در عمل همانند قانونی کامل و جدید به حساب می آمد (Lambton, 1969, p63). قیمت زمین را براساس مالیات هایی که مالک تا ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ پرداخته بود، تعیین کردند. زارعان خریدار زمین باید قیمت زمین را پس از گذشت دوره معافیت یک ساله در ۱۵ سهم مساوی سالانه و در هنگام برداشت محصول می پرداختند (هوگلند، ۱۹۸۲، ص ۱۰۸).



هانتینگتون معتقد است که آنچه را که شاه به نام اصلاحات ارضی انجام داد «بهبود فنون کشاورزی، تجهیزات کشاورزی، کود، آیش، تناوب کشت، آبیاری و بازاریابی» (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۳) نبود، بلکه تقسیم اراضی بود؛ ولی او نام آن را اصلاحات ارضی گذاشت. اصلاحات ارضی بدون تقسیم اراضی ممکن است بازدهی اقتصادی را افزایش دهد؛ ولی پایداری نظام سیاسی را کم می‌کند؛ ولی تقسیم اراضی بدون در نظر گرفتن شرایط دیگر به معنی دگرگونی در نحوه تصرف زمین با روش‌های غیر انقلابی است (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۳). تقسیم اراضی، روستاییان را از نیروی بالقوه انقلاب درمی‌آورد و به نیروی اجتماعی محافظه‌کار تبدیل می‌کند (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۴). این موضوع خود را در انقلاب ۵۷ نشان داد؛ چون روستاییان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش کمی داشتند و انقلاب ایران، انقلابی شهری بود. شاه با انجام اصلاحات ارضی به دنبال گسترش نفوذ خود تا روستاها بود و از این طریق می‌خواست تا روستاییان زمیندار شده را به جمع هواداران خود اضافه کند (هوگلد، ۱۹۸۲، صص ۱۰۰-۱۰۲). هانتینگتون اصلاحات ارضی امینی-ارسنجانی را شدیدترین صورت اصلاحات ارضی از بالا به‌شمار می‌آورد که هدف آن بسیج روستایی برای تداوم برنامه اصلاحات ارضی بود؛ مشارکت دائم روستاییان موفقیت این برنامه را تضمین می‌کرد (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۶۰).

گزارش سازمان اصلاحات ارضی هم مؤید این مطلب است. تا شهریور ۱۳۴۲ تعداد ۸۰۴۲ روستا به زارعان واگذار شد (سازمان اصلاحات ارضی، ۱۳۴۲، صص ۶-۷)؛ ولی کل روستاهای خریداری شده در فاصله مهر ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۴ کمتر از ۸ ماه اول اجرای اصلاحات ارضی بود (سازمان اصلاحات ارضی، ۱۳۵۰، صص ۵-۱۰).

۴. کمیسیون امنیت اجتماعی

برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری، هیئتی دائمی به نام «کمیسیون امنیت اجتماعی» مرکب از فرماندار، دادستان، رئیس دارایی و شهربانی و فرمانده ژاندارمری و در صورت غیبت، با حضور معاونان آنان تشکیل می‌شد و فرمانداران مکلف بودند در مواقعی که استقرار نظم و امنیت و حفظ حقوق مالکان و رعایا و رفع اختلاف بین آن‌ها ایجاب می‌کرد فوراً کمیسیون را با دعوت از اعضای آن تشکیل دهند. کمیسیون در ابتدا فقط برای هماهنگی ادارات انتظامی بود و مصوبات آن صورت قانونی نداشت. در سال ۱۳۲۹ رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش درخواست کرد تا کمیسیون هفتگی تشکیل شود؛ ولی وزیر کشور مخالفت کرد و تأکید کرد که کمیسیون فقط برای هماهنگی است و نه تبعید اشخاص (ساکما، ۱۹۰۴-۲۹۳).



با وجود آنکه بر اساس قانون، تمام لوایح مصوب دوره آقای دکتر مصدق ملغی شد، ولی مجلس سنا و مجلس شورا به علت کارایی لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی در ۹ مرداد ۱۳۳۴ این قانون را قابل اجرا دانستند (ساکما، ۲۹-۶۵۰-۲۹۳).

طبق این لایحه و متمم آن در سال ۱۳۳۶ کمیسیون با عضویت نماینده نخست وزیر، رئیس دادگاه شهرستان یا بخش، دادستان، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری تشکیل می شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

چون کمیسیون برای موارد فوریت دار تشکیل می شد، افراد برای تسریع در پرونده شان، درخواست می کردند که کمیسیون تشکیل شود و این باعث می شد تا احکامی صادر شود و مشکل ایجاد کند؛ در حالی که افراد محلی می توانستند با کدخدامنشی آن مسائل را حل و فصل کنند. اتابکی، وزیر کشور، در نامه مورخ ۱۳۳۷/۹/۱۵ از فرمانداری قم درخواست کرد تا در ابتدا دعوی اشخاص از طریق کدخدامنشی حل شود و در صورتی که امکان این کار وجود نداشت، کمیسیون تشکیل شود (ساکما، ۳۰۸۳۷-۲۹۳).

برای تشکیل کمیسیون در جاهایی که دادگاه نداشت پرونده ها را جمع می کردند و بعد از دادستان دعوت می کردند تا در جلسه کمیسیون حضور یابد. در جایی که دادگاه شهرستان نداشت رئیس دادگاه بخش در جلسات حضور پیدا می کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).
نمایندگان دادگستری باید در هنگام صدور حکم، در کمیسیون حضور می داشتند تا مصوبات کمیسیون قانونی باشد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

مهم ترین اقدام علی امینی در زمان نخست وزیری، انجام اصلاحات ارضی بود؛ برنامه ای که نظم هزارساله مالک و زارع در ایران را در هم می ریخت و منافع عده ای را به خطر می انداخت. اجرای برنامه ای به این گستردگی که نزدیک به ۷۵ درصد جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار می داد، مخالفانی سفت و سخت داشت. برای شروع این برنامه باید عده ای از متفذان محلی موقتاً از منطقه تحت نفوذ خود خارج می شدند تا مانعی بر سر راه این برنامه ایجاد نکنند. دولت علی امینی برای انجام این کار از ظرفیت کمیسیون امنیت اجتماعی که مصوب زمان دکتر مصدق بود استفاده کرد. مصوبات این کمیسیون همانند حکم بدوی محاکم قضایی بود و در مواقع فوریت دار استفاده می شد. طبق مصوبات کمیسیون، کسانی که در برابر اصلاحات ارضی مخالفت می کردند یا بهره مالکانه را نمی پرداختند و یا زارعان را به پرداختن بهره مالکانه تحریک می کردند، به صورت موقت تبعید می شدند.

پشتوانه امینی در این نوع برخورد با مخالفان، استفاده از ظرفیت کمیسیون بود. رسیدگی به مخالفت عده ای از مالکان و زارعان با قانون اصلاحات ارضی جزء وظایف اولیه کمیسیون نبود؛ بنابراین با ایجاد ماده قانونی، دایره وظایف کمیسیون را گسترش دادند و کمیسیون



موظف شد تا به این نوع مخالفت‌ها هم رسیدگی کند. بند ب ماده ۲ قانون حفظ امنیت اجتماعی بدین صورت اصلاح شد: «رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به امتناع عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا قسمی که مانع از انجام وظیفه مأمورین دولت باشد وادار نمایند» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

طبق ماده شش قانون حفظ امنیت اجتماعی، کمیسیون امنیت اجتماعی وظیفه داشت تا به گزارش‌های رسیده از طرف مأموران انتظامی درباره اشخاصی که پیوسته در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک می‌کردند، رسیدگی کند. طبق ماده ۷، مرتکبان به شش ماه تا یک سال بازداشت یا به اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین می‌کرد، محکوم می‌شدند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۸۴۷، ۱۳۴۱/۴/۲۳، ص ۱). امینی مخالفان اصلاحات ارضی را به تبعید از تهران تهدید کرد. روزنامه اراده آذربایجان هم با انتقاد از امینی در این باره نوشت: «منظور جناب دکتر امینی از ادای آن جمله معروف که مخالفین را به بندرعباس تبعید خواهند کرد چیست؟» (روزنامه اراده آذربایجان، شماره ۴۵۸، ۱۳۴۱/۴/۲۳، ص ۱). روزنامه دیپلمات هم اظهار امیدواری کرد که اظهارات امینی فقط در حد تهدید باقی بماند (روزنامه دیپلمات، شماره ۴۰۷، ۱۳۴۱/۵/۳، ص ۱).

طبق بند ب ماده ۳ قانون حفظ امنیت اجتماعی، وظایف کمیسیون امنیت اجتماعی در زمینه اصلاحات ارضی عبارت بود از: «سعی و کوشش در رفع اختلاف بین مالک و رعیت با رعایت اصل مالکیت و احترام به سعی و عمل زارع و تعیین سهم مالک و کشاورز مطابق عرف و عادت محل، طبق مقررات لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمرانی کشاورزی و هم‌چنین رسیدگی به امور دیگری که مربوط به عمل زراعت و رابطه بین مالک و زارع است.» طبق ماده ۴ این قانون اشخاصی که کشاورزان را به ندادن حق مالکانه وادار می‌کردند یا از عمل کشت جلوگیری می‌کردند یا از ورود مالک به ملک خود جلوگیری می‌کردند یا از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق سلطه قانونی ممانعت می‌کردند یا کشاورزان را به رفتار برضد مأموران دولت وادار می‌کردند، به وسیله مأموران انتظامی دستگیر و با گزارش و مدارک اتهام تسلیم کمیسیون می‌شدند. این اشخاص به شش ماه تا یک سال بازداشت یا تبعید و اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین می‌کرد محکوم می‌شدند.

طبق ماده ۱۲، رأی کمیسیون باید فوراً به محکوم ابلاغ می‌شد و او حق داشت تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون، به دادگاه استانی که جرم در حوزه آن واقع شده بود، شکایت کند و دادگاه استان فوراً و خارج از نوبت به شکایت مذکور رسیدگی

کند. محکومان پس از گذشتن یک چهارم از مدت محکومیت خود می‌توانستند عفو خود را تقاضا کنند؛ در این صورت پرونده به کمیسیون عفو ارجاع می‌شد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۵۵۶، ۱۳۴۰/۴/۲۶، ص ۱).

اصلاحات ارضی مانند هر اصلاح دیگری به تمرکز و گسترش قدرت در نظام سیاسی نیاز داشت (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۵۶). امینی قبل از انجام اصلاحات ارضی نیز از ظرفیت کمیسیون امنیت اجتماعی برای تهدید مخالفان خود استفاده و جبهه ملی را تهدید کرده بود که با کمک کمیسیون جلوی تظاهرات آن‌ها را خواهد گرفت (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۵۵۷، ۱۳۴۰/۴/۲۷، ص ۱).

دولت و وزارت کشاورزی قصد داشتند تا به هیچ قیمتی درباره ادامه کار اصلاحات ارضی کوتاهی نشان ندهند و این برنامه را به شدت و سرعت تمام اجرا کنند. «گفته می‌شود افرادی که در این باره اخلاص کنند، توقیف و تبعید خواهند شد و هم‌اکنون در چند نقطه، چند تن از این افراد تبعید شده‌اند و پرونده سایر اخلاص‌گران، نیز در کمیسیون امنیت اجتماعی مطرح شده و چنانچه افراد مورد اتهام واقعاً در کار اصلاحات ارضی اخلاص کرده باشند، تبعید خواهند شد» (روزنامه مرد مبارز، شماره ۵۴۵، ۱۳۴۱/۲/۲۹، ص ۴). در اسفند ۱۳۴۹ سه نفر از اهالی درگزین به درخواست اداره کل اصلاحات ارضی همدان به مشکین شهر تبعید شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۷).

زارعان به علت نپرداختن بهره مالکانه هم تبعید می‌شدند. یکی از علل نپرداختن بهره مالکانه این بود که زارعان منتظر بودند تا برنامه اصلاحات ارضی به روستای آن‌ها هم برسد؛ بنابراین بهره مالکانه را نمی‌پرداختند (هوگلند، ۱۹۸۲، ص ۱۱۳)؛ بدین لحاظ مشمول کیفر تبعید می‌شدند. یکی از عللی که باعث شد تا شاه به برکناری ارسنجانی راضی شود، این بود که تغییرات در روستاها می‌توانست به راحتی از میزانی که برای بقای حکومت شاه لازم بود بیشتر شود (James, 1972, p144). به احتمال زیاد تعداد زیاد تبعیدی‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر باعث ایجاد تغییر در بافت روستاها و برهم خوردن توازن تاریخی میان مالکان و زارعان می‌شد.

ارسنجانی در مصاحبه‌ای کوتاه در ۱۳۴۱/۱۱/۱۶ گفت: «به کلیه استانداران و فرمانداران دستور داده شده است، فوراً کسانی را که به نحوی از انحاء با قطع درخت و طرق دیگر در اجرای قانون اصلاحات ارضی و در نظم دهات اخلاص می‌کنند، از دهات تبعید نمایند» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۰۱۷، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶، ص ۱۳). این تلگراف را سازمان کل اصلاحات ارضی به ادارات اصلاحات ارضی استان‌ها فرستاد (روزنامه کیهان، شماره ۵۸۶۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶، ص ۱۲)؛ ولی این سازمان فقط صادرکننده این تلگراف بود و



برای تبعید قدرتی نداشت. کمیسیون امنیت اجتماعی، مخالفان اصلاحات ارضی را تبعید می‌کرد و ارسنجانی هم که در مصاحبه خود گفته بود به تمام استانداران و فرمانداران دستور داده شده‌است، مقصودش از طرف کمیسیون بود. این کمیسیون پس از رسیدگی به تخلف افرادی که به اخلاف در امور زراعی می‌پرداختند، متهم را به دو تا شش ماه اقامت اجباری در محل‌های مذکور در تصویب‌نامه شماره ۶۵۵ مورخ ۲۳ مهرماه ۱۳۴۵ محکوم می‌کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

طبق تبصره ۱ الحاقی به ماده ۳ قانون مصوب ۲۱ دی ۱۳۴۹ بقیه مدت محکومیت افرادی که از تبعیدگاه فرار می‌کردند، به بازداشت موقت تبدیل شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۵۵۸). این قانون در سال ۱۳۵۲ مجدداً اصلاح شد و شدت برخورد با متخلفان بیشتر شد. بند الف ماده ۳ بدین صورت اصلاح شد: «در موارد مذکور در ماده ۲، کمیسیون امنیت اجتماعی فوراً رسیدگی [می‌کند] و متخلف را پس از ثبوت تقصیر، طبق ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی به اقامت اجباری در محلی که مقتضی بداند محکوم می‌نماید» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۳).

۵. تبعید مخالفان اصلاحات ارضی

گروه‌های سیاسی و مطبوعات به تبعید مخالفان اصلاحات ارضی اعتراض کردند. روزنامه اتحاد ملی، به اعضای کمیسیون انتقاد کرد که اگر دامنه وظایف کمیسیون اضافه شود، ممکن است روزی دامن خودشان را هم بگیرد؛ همچنان که دامن واضع این قانون یعنی دکتر مصدق را گرفت (روزنامه اتحاد ملی، شماره ۱۷۱۸، ۱۳۴۱/۴/۲۶، ص ۴). گفتنی است که دکتر مصدق که خودش واضع این قانون بود، طبق مفاد همین قانون تبعید شد. یکی از علل استفاده گسترده از کیفر تبعید برای مخالفان اصلاحات ارضی، عجله مجریان بود؛ زیرا راهبرد ارسنجانی برای دستیابی به هدف سرعت بود (Warriner, 1969, p117). او معتقد بود که سرعت باعث پیشگیری از امکان مخالفت می‌شود؛ در حالی که سرعت، باعث گسترش مخالفت‌ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید شد. روش ضربتی ارسنجانی، آمریکا، شاه و امینی را مضطرب کرد. مأموری آمریکایی گزارش داد: «من به طور دائم از او می‌پرسم دلیل فوریت برنامه اصلاحات ارضی چیست؟ و ارسنجانی در پاسخ گفت: ماهیت بیماری چنان است که درمانی فوری می‌طلبد» (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷). امینی سال‌ها بعد در خاطراتش این سرعت را باعث نابودی اصلاحات ارضی دانست. «ما قرار نبود با این عجله برویم؛ [ولی شاه] گفت: «نه، باید کلک این‌ها را بکنیم»؛ ولی کلک اصلاحات ارضی را کندیم» (خاطرات دکتر علی امینی، ۱۹۸۶، ص ۴۱).



در زنجان، محمد صالح آیتی غفاری، نماینده فطن السلطنه مجد، به علت اختلال در کار اصلاحات ارضی در روستاهای حومه خرمدره، طبق رأی مورخ ۱۳۴۱/۷/۲۰ کمیسیون به چهار ماه اقامت اجباری در سمنان محکوم شد و رأی صادره اجرا شد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۹۲۲، ۱۳۴۱/۷/۲۲، ص ۱).

محمود مهدوی، مالک قریه آزادمون، به اتهام ایجاد اختلال در راه اجرای قانون اصلاحات ارضی و تیراندازی به کشاورزان دستگیر شد و کمیسیون در ۱۳۴۱/۹/۴ او را به مناطق بدآب و هوا تبعید کرد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۹۵۸، ۱۳۴۱/۹/۴، ص ۱). بعد از تبعید مهدوی، ژاندارمری حفظ نظم این روستا را به عهده گرفت و مأموران اصلاحات ارضی نیز کار خود را در آن محل به پایان رساندند (روزنامه کیهان، شماره ۵۸۱۰، ۱۳۴۱/۹/۴، ص ۱). در ۶ بهمن ۱۳۴۱، هشت نفر از کشاورزان منطقه جوانمرد مهاباد وارد قریه گنبد از توابع بوکان شدند و در کار رفراندوم انقلاب سفید اختلال ایجاد کردند و دو نفر از مالکان، بخشدار و رئیس فرهنگ بوکان را مضروب کردند. این هشت نفر به مدت سه ماه به نائین تبعید شدند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۰۱۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۸، ص ۱).

بیشتر تبعیدیان کمیسیون زارعانی بودند که بر سر پرداخت بهره مالکانه و سایر موارد مربوط به عمل زراعی با مالک اختلاف داشتند. موارد مهم اختلاف عبارت بودند از: (۱) درباره زمین زراعتی؛ (۲) درباره آب؛ (۳) درباره باغات و قلمستانها و خانههای روستایی؛

۶. درباره بهره مالکانه

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که بیشتر اختلافات بر سر بهره مالکانه و شامل این موارد بوده است: الف) اختلاف بر سر میزان بهره مالکانه؛ ب) زارعان ادعای ملکیت مالک را قبول نداشتند؛ ج) زارعان سند عادی اجاره زمین را قبول نداشتند؛ د) ادعای مالک مبنی بر دریافت نکردن بهره مالکانه سالهای قبل؛ ه) ادعای مالک مبنی بر تأمین بذر و آب برای زارعان و کشت نکردن از سوی آنان؛ و) ادعای زارعان در خصوص انجام عمل کشت ولی سبز نشدن گیاه به علت بی‌آبی یا آفت (نیازمند شیرازی، ۱۳۴۴، صص ۸۹-۹۰).

زارعان حاضر نبودند بهره مالکانه را پرداخت کنند؛ زیرا آن قدر از زمین عایدی نداشتند که بخواهند بهره مالکانه آن را بپردازند. مالک فقط سر خرمن می‌رسید و بقیه مشکلات کشت و زرع با کشاورز بود. مشخصات زارعان مشخص نبود و محلی‌ها هم حاضر نبودند تا اسامی آنها را به مأموران بدهند؛ بنابراین از ظرفیت کمیسیون برای تبعید زارعان استفاده می‌شد (ساکما، ۱۳۹۴/۲۹۳/۹۱).



در فصل هفتم قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب دی ماه ۱۳۴۰ به وظایف مالک و زارع پرداخته شده است. طبق این فصل وظایف مالک عبارت بودند از:

- ۱) پرداخت مخارج مرمت و نگهداری قنوات؛ ۲) پرداخت مخارج موتورپمپ؛
- ۳) تهیه بذر؛ ۴) کوشش در بهبود بذر؛ ۵) انجام سایر تکالیف طبق عرف هر محل. طبق این فصل وظایف زارع عبارت بودند از: ۱) انجام عملیات زراعی؛ ۲) تهیه بذر در مناطقی که این کار برعهده زارع بود. هم چنین ۵ وظیفه ۱) نگهداری قنوات و چاه؛ ۲) پرداخت هزینه کود شیمیایی و دفع آفات؛ ۳) پرداخت حقوق کدخدا، دشتبان و میراب؛ ۴) مراقبت از اشجار و مؤسسات و ابنیه عمومی؛ و ۵) دادن اطلاعات به مأموران کشاورزی به صورت مشترک برعهده مالک و زارع گذاشته شد (فرمان همایونی...، ۱۳۵۱، صص ۵۲-۵۳).

ماده ۳۳ لایحه قانون اصلاحات ارضی هم حل اختلاف مالک و زارع در امور مربوط به کشاورزی را به مأموران اصلاحات ارضی محول کرد و مأموران ژاندارمری را مکلف کرد تا دستورات رئیس اصلاحات ارضی هر منطقه را اجرا کنند (فرمان همایونی...، ۱۳۵۱، صص ۷۱).

مالکان و زارعان بر سر مقدار بهره مالکانه اختلاف داشتند. این اختلاف با کدخدانمشی و یا در دادگاه صالحه حل می شد؛ ولی باوجود کمیسیون و نفوذ مالکان و استفاده از کیفر تبعید، میزان بهره مالکانه طبق نظر مالک زمین به زارعان تحمیل می شد. ورود کمیسیون و استفاده از زور در مباحث تخصصی اختلاف مالک و زارع به حل مسئله کمک نمی کرد و کار را پیچیده تر می کرد. با بروز اختلاف درباره مبلغ اجاره بهای قریه شمس آباد الیگودرز که موضوعی کاملاً صنفی و تخصصی بود کمیسیون وارد موضوع شد (ساکما، ۱۳۹۴/۲۹۳/۹۱). میزان بهره مالکانه در نقاط گوناگون کشور متفاوت بود. در سال ۱۳۳۵ بهره مالکانه هر درخت مرکبات را ۲۰ ریال تعیین کردند (ساکما، ۲۹-۶۵۰/۲۹۳). در سال ۱۳۳۸ بین خلعتبری ها از ملاکان تنکابن و زارعان بر سر بهره مالکانه اختلاف به وجود آمد. حکم تبعید ۱۰ نفر از زارعان صادر شد و باینکه فرمانداری نداشتن بودجه را بهانه تبعیدنکردن آنان قرار داد، ولی با فشار مالک، حکم تبعید ۶ نفر از آنان در پژوهش خواهی در دادگاه استان تأیید شد و آنان به مدت ۶ ماه به یزد، رضائیه، کرمانشاه، اصفهان، اراک و کاشان تبعید شدند (ساکما، ۲۹-۶۵۰/۲۹۳). تحریک زارعان به ندادن بهره مالکانه جزء مصادیقی بود که کمیسیون امنیت اجتماعی کیفر تبعید را برای مرتکبان آن در نظر می گرفت. صدور حکم تبعید برای ندادن بهره مالکانه از سال ۱۳۴۱ شروع شد و اوج آن را می توان در سال ۱۳۴۲ مشاهده کرد. در بیشتر موارد مدت تبعید دو ماه بود و تبعیدگاه را استان های مجاور تعیین می کردند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۲۰۶؛ ۱۶۶-۳۶۴-۹۷؛ ۹۷-۷۳۴۷-۲۹۳-۹۸؛ ۹۷۹۲-۹۷۹۲).

۲۹۳-۹۹؛ ۱۲۹۷۶-۲۹۳؛ ۳۸۵۲۹-۲۹۳). مدت تبعید و انتخاب تبعیدگاه نشان می‌دهد که هدف از تبعید، سربراه کردن زارعان و وادار کردن آنان به پذیرش اصلاحات ارضی و پرداخت بهره مالکانه بوده است. البته این گونه نبود که قانون در تمام کشور اجرا شود. در سال ۱۳۴۲ زارعان کرمانشاه بهره مالکانه را نمی‌پرداختند و حکومت هم به علت کمبود نیروی ژاندارمری نمی‌توانست بهره را وصول کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۴)؛ در عوض، دادگاه استان احکامی را که در سال ۱۳۴۲ به بعد مبنی بر تبعید زارعان به دلیل نپرداختن بهره مالکانه یا اخلال در امر زراعی صادر شده بود تأیید کرد (ساکما، ۲۹۳-۲۹۸-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). دادگاه در مواردی مدت تبعید بیش از دو ماه را به دو ماه کاهش داده؛ ولی اصل احکام را تأیید کرده است (ساکما، ۱۲۹۷۳-۲۹۳؛ ۵۵۴۶۲-۲۹۳).

گاهی کمیسیون برای ایجاد آرامش برای اجرای اصلاحات ارضی، به درگیری‌های محلی وارد می‌شد که خارج از وظایفش بود. بعد از اجرای اصلاحات ارضی مناسبات مالک و زارع به هم ریخت؛ به این صورت که هر دو در قبال تکالیف خود کوتاهی می‌کردند و فقط حقوق خود را مطالبه می‌کردند. زارعان در مواردی حقوقی بیش از قانون مطالبه می‌کردند و از ورود مالکان یا خرده مالکان به زمین خود جلوگیری می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳) که حکم هر دو کار طبق رأی کمیسیون، تبعید بود (ساکما، ۲۴۷۰۹-۲۹۳). در قانون اصلاحات ارضی آمده بود که در صورتی که زمین‌ها به صورت مکانیزه کشت شوند، از شمول اصلاحات ارضی خارج‌اند؛ بنابراین برخی از مالکان با خرید تراکتور و یا نصب یک موتور پمپ در زمین خود، آن را مکانیزه جلوه می‌دادند تا از شمول قانون خارج شوند (ساکما، ۱۰۰۵۱-۲۹۳-۹۸). هم‌چنین در قانون مزبور ماده‌ای وجود داشت که بر اساس آن مالکان هر مقدار زمینی را که با تراکتور شخم می‌زدند، زراعت مکانیزه تلقی می‌شد و متعلق به خودشان بود (سالور، ۱۳۹۴، ص ۲۷). این قانون بعداً اصلاح شد و مالک علاوه بر شخم‌زدن، در سایر مراحل کاشت و برداشت هم باید فعال می‌بود تا زمین به او تعلق بگیرد. در نهایت و پس از تصویب مرحله دوم قانون، مالک فقط می‌توانست ۲۰۰ هکتار زمین مکانیزه داشته باشد (سالور، ۱۳۹۴، ص ۲۷).

اگر زمین به صورت مکانیزه کشت نمی‌شد، باید بین زارعان تقسیم می‌شد؛ بنابراین برخی از زارعان از انجام کشت مکانیزه جلوگیری می‌کردند و حتی مالک را به زمین خودش راه نمی‌دادند؛ کمیسیون در این موارد، زارعان را تبعید می‌کرد. تبعید ۹ نفر از زارعان از شیراز به رفسنجان به مدت دو ماه در ۱۳۴۲/۳/۲۵ (ساکما، ۳۸۵۲۹-۲۹۳)؛ ۹ نفر از مردوشت به رفسنجان به مدت دو ماه در ۱۳۴۲/۳/۲۵ (ساکما، ۱۷۵۵-۲۹۳-۹۹)؛ و ۶ نفر از کرمانشاه به نهاوند در تاریخ ۱۳۴۲/۶/۲۹ به مدت ۶ ماه (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۶) نمونه‌هایی از این نوع تبعید است.



با شروع مقدمات اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی شامل آمارگیری از روستاها، زارعان در کار این مأموران اخلال ایجاد می کردند تا آمار و اطلاعات درستی به دست مأموران نرسد؛ کمیسیون این افراد را تبعید می کرد. تبعید فردی از شهرضا به رفسنجان (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۵۰۴) و نیز درخواست برخورد با ۵ نفر در الیگودرز به همین علت بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). حتی برای انجام سریع تر قانون، از ادارات کشاورزی خواستند تا کشاورزانی را که حاضر نیستند همکاری کنند و یا بهره مالکانه را نمی دهند، معرفی کنند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴) تا برای تبعید آنان اقدام شود. گاهی تبعید موقع برداشت محصول انجام می شد و باعث می شد تا نتیجه زحمات یکساله کشاورز به هدر برود. رئیس اصلاحات ارضی لرستان بارها درخواست کرد تا کشاورزان در موقع برداشت محصول تبعید نشوند و معتقد بود که «با نصیحت می توان کشاورزان را از جهالت درآورد» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳). ادارات اصلاحات ارضی از کشاورزان تعهد می گرفتند تا علیه اصلاحات ارضی کاری انجام ندهند و به برداشت محصول بپردازند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳). هم چنین به علت رسیدن فصل برداشت، درخواست شد تا تعدادی از تبعیدیان الیگودرز عفو شوند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳).

طبق ماده ۵ قانون حفظ امنیت اجتماعی، تبعیدی می توانست بعد از گذشت یک چهارم از مدت زمان محکومیتش درخواست آزادی کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۳۲). شاه به صورت تکی و یا کلی، این گونه تبعیدیان را عفو می کرد؛ بدین نحو که کشاورزان و یا خانواده آنها به شاه نامه می نوشتند و درخواست عفو می کردند (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۸۴۶۱). در ۲۳ شهریور ۱۳۴۴ وزیر کشاورزی در گزارش حضوری خود به شاه درباره اصلاحات ارضی، برای زارعان، روستاییان و خرده مالکانی که با حکم کمیسیون تبعید شده بودند درخواست عفو کرد و شاه هم با این درخواست موافقت کرد (ساکما، ۹۱-۲۹۳-۴۱۳). در مهر ۱۳۴۴ فرمان عفو کلی این تبعیدیان صادر شد و از شهرستانها خواسته شد تا این افراد آزاد شوند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۰۲). موقع برگزاری جشن های تاج گذاری نیز مقامات محلی از شاه برای بخشودگی بقیه مدت تبعید تبعیدیان درخواست می کردند (ساکما، ۹۹-۲۹۳-۷۸۰۴؛ ۹۹-۲۹۳-۳۲۲۰). هم چنین همیاری این افراد در اجرای قانون و جمع آوری بهره مالکانه هم باعث می شد تا آنان عفو شوند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۳۲). هدف از این نوع تبعید، فقط تنبیه متمردان و اخلال گران در اجرای قانون اصلاحات ارضی بود و با نوشتن ندامت نامه و درخواست عفو، این هدف حاصل می شد و این افراد آزاد می شدند. وجود ماده قانونی برای عفو پس از گذشت یک چهارم از زمان محکومیت باعث می شد تا از کارایی تبعید کاسته شود؛ در این زمینه مواردی از تحریک مجدد رعایا و زارعان علیه

اصلاحات ارضی، در اسناد دیده می‌شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۷۴).

۷. تحلیل مؤلفه‌های تبعید

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر تبعیدیان از استان فارس بوده‌اند؛ استان کرمان هم تبعیدگاه عمده تبعیدیان اصلاحات ارضی بوده است. فارس استانی پرچالش در زمینه اصلاحات ارضی بود که حتی قتل ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد هم در آن اتفاق افتاد. قتل او را می‌توان یک مقاومت بالقوه مالکانه در مقابل برنامه اصلاحات ارضی دانست؛ بنابراین صرف نظر از اتفاقی بودن یا عمدی بودن این قتل - که به گواهی اسناد برای حکومت وقت نیز این ابهام وجود داشته است - حکومت پهلوی با استفاده گسترده تبلیغی از این واقعه به عنوان «اقدامی ارتجاعی»، ضمن برخورد شدید با محرکان اصلی سعی کرد تا فرصت هرگونه بهره‌برداری از این واقعه را از مخالفان اصلاحات ارضی بگیرد (قلی‌زاده، سعیدی‌نیا، شهوند، ۱۳۹۷، ص ۷۹). بیشترین تبعید در سال ۱۳۴۲ انجام شد. مدت تبعید بیشتر تبعیدیان هم دو ماه بود. کمیسیون‌های امنیت اجتماعی در استان‌های شمال غرب کشور، هم تبعیدگاه‌های دورتری را انتخاب می‌کردند و هم مدت‌زمانی بیش از دو ماه را. همان‌طور که پیشتر هم گفته شد بیشترین میزان تبعید در سال ۱۳۴۲ انجام شده است؛ زمانی که ارسنجانی با سرعت در حال اجرای اصلاحات ارضی بود. بعد از برکناری او در اسفند ۱۳۴۲ و جانشینی سپهبد اسماعیل ریاحی از سرعت اصلاحات ارضی کاسته شد و طبعاً از میزان مخالفت‌ها هم کاسته شد و تبعیدی‌ها هم کمتر شدند.

شاید کاهش تعداد تبعیدیان در سال‌های پس از ۱۳۴۲ را بتوان به دلیل تغییر وضعیت رسیدگی به تخلفات زارعان و مالکان در کمیسیون امنیت اجتماعی و ارجاع آن‌ها به خانه‌های انصاف برای رسیدگی به اختلافاتشان هم دانست. اولین خانه انصاف در آذرماه ۱۳۴۲ در قریه مهیار اصفهان تشکیل شد و از آن تاریخ به بعد این خانه‌ها در بقیه جاهای کشور هم تشکیل شدند (پهلوی، بی‌تا، ص ۱۷۰). اختلافات، در این خانه‌ها به صورت کدخدامنشی حل می‌شد؛ بنابراین تعداد پرونده‌های دادگستری کاهش می‌یافت. آمار گزارش‌های اصله از ۲۶۱ خانه انصاف در سال ۱۳۴۴ حاکی است که قریب ۱۸۰۰۰ دعوی مختلف در این خانه‌ها طرح و تصفیه شده‌اند و تعداد پرونده‌های تصفیه شده در پنج‌ماهه اول سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۱۲۰۰۰ عدد بوده است (پهلوی، بی‌تا، صص ۱۷۰-۱۷۱). تا شهریور ۱۳۵۲ تعداد ۶،۴۷۴ خانه انصاف در کشور تشکیل شد که هر کدام بین دو تا چهار روستا را پوشش می‌دادند (کیهان/اینترنشنال تهران، ۳ فوریه ۱۹۷۳، ص ۱۲).



مدت تبعید (ماه)	تبعیدگاه	زادگاه	تاریخ تبعید
۶	بیچند	زجان	۱۳۴۱
۲	رفسنجان	اردکان	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	اردکان فارس	۱۳۴۲
-	رفسنجان	اردکان فارس	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	بیضا	۱۳۴۲
۴	شهرضا	رامهرمز	۱۳۴۲
۵	یزد	سنندج	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
-	رفسنجان	شیراز	۱۳۴۲
۲	نیریز	شیراز	۱۳۴۲
۲	نیریز	شیراز	۱۳۴۲
۲	نیریز	شیراز	۱۳۴۲
۲	نیریز	شیراز	۱۳۴۲
۲	نیریز	کازرون	۱۳۴۲
۶	نهادند	کرمانشاه	۱۳۴۲
۲	رفسنجان	مرودشت	۱۳۴۲
۲	نیریز	مرودشت	۱۳۴۲
۳	دامغان	قم	۱۳۴۳
۲	نیریز	بیضا	۱۳۴۴
-	نیریز	شیراز	۱۳۴۴
۵	گلپایگان	همدان	۱۳۴۴
۴	گلپایگان	همدان	۱۳۴۴
-	فردوس	الیگودرز	۱۳۴۴
۶	بافت	فارس	۱۳۴۵
-	تویسرکان	کرج	۱۳۴۷
-	خلخل	کرج	۱۳۴۷
-	مشکین شهر	کرج	۱۳۴۷

جدول ۱

مؤلفه‌های تبعید مخالفان اصلاحات ارضی



مدت تبعید (ماه)	تبعیدگاه	زادگاه	تاریخ تبعید
۶	شهریلبک	تبریز	۱۳۴۸
۶	برازجان	رفسنجان	۱۳۴۸
۱۲	ایلام	تویسرکان	۱۳۴۹
۶	تویسرکان	فسا	۱۳۴۹
۶	تویسرکان	فسا	۱۳۴۹
۶	خلخل	فسا	۱۳۴۹
۶	مشکینشهر	فسا	۱۳۴۹
۶	بافت	اردکان فارس	۱۳۵۰
-	آذریاجان	شهریلبک	۱۳۵۰
۹	فومن	خور	۱۳۵۱
۶	بافت	مشکینشهر	۱۳۵۱
-	شهریلبک	ملایر	۱۳۵۲

ادامه جدول ۱

مؤلفه‌های تبعید مخالفان اصلاحات ارضی

(مأخذ: ساکما: ۱۲۹۷۵-۱۲۹۷۶؛ ۲۹۳-۲۳۳۳۲؛ ۲۹۳-۳۵۵۲۹؛ ۲۹۳-۳۸۵۲۹؛ ۲۹۳-۶۰۰۰۴؛ ۲۹۳-۳۵۰/۲۸۵۸؛ ۹۱/۲۹۳/۳۷۲؛ ۹۱/۲۹۳/۴۷۷؛ ۹۱/۲۹۳/۵۶۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۴؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۹۱/۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۹۷/۲۹۳/۵۴۶۵؛ ۹۷/۲۹۳/۵۴۶۵؛ ۱۶۶-۳۶۴-۹۷-۱۷۵۴-۲۹۳-۹۸-۷۳۴۷-۲۹۳-۹۸-۹۲۷-۲۹۳-۹۹-۱۳۱۱-۱۳۱۱-۲۹۳-۹۹-۱۳۱۳-۲۹۳-۹۹-۳۲۲۰-۲۹۳-۹۹-۳۸۱۰-۲۹۳-۹۹-۶۲۴۷-۲۹۳-۹۹-۶۵۳۳-۲۹۳-۹۷۹۲-۲۹۳-۹۹-۲۹۲۳-۲۹۸-۹۹).

با اصلاحات ارضی مناسبات جاافتاده مالک و زارع به هم ریخت و ارتباط عاطفی مالک با زارعان که گاهی با آن‌ها در حکم پدر رفتار می‌کرد، از میان رفت. در ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ تنها مرجع تشخیص روابط خرده‌مالکان و دهقانان سازمان اصلاحات ارضی معرفی شد (ساکما، ۱۰۱۲-۲۹۳-۹۹). در این قانون از مناسبات انسانی حرفی نبود و فقط بحث مالکیت مطرح بود و وظیفه حمایت‌های زراعی از زارعان که قبلاً مالکان آن را انجام می‌دادند، برعهده شرکت‌های تعاونی گذاشته شد.

زارعان صاحب زمین قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی روی زمین کار می‌کردند و بعد از آن هم همان کار را انجام می‌دادند و تفاوتی ایجاد نشده بود؛ جز اینکه اسماً این زمین‌ها طبق اسناد به آن‌ها تعلق داشت. پس از مرگ زارع، وراثت نمی‌توانستند زمین را بین خود تقسیم کنند و باید باهم شریک می‌شدند و زمین را کشت می‌کردند؛ و گرنه زمین به کشاورز دیگری واگذار می‌شد (بازیار، ۱۳۵۰، ص ۲۴). این نشان می‌دهد که مالکیت زارعان بر روی زمین کامل نبود و طبق سیاست دولت تغییر می‌کرد.



۸. نتیجه‌گیری

کمیسیون امنیت اجتماعی از کیفر تبعید برای تنبیه مخالفان حکومت استفاده می‌کرد. در زمان اجرای اصلاحات ارضی، دایره وظایف کمیسیون به زارعان و مالکان مخالف این قانون هم گسترش یافت. یکی از علت‌های استفاده گسترده از تبعید برای مخالفان اصلاحات ارضی، عجله مجریان بود. راهبرد ارسنجان‌ی برای اجرای اصلاحات ارضی سرعت بود. او معتقد بود که سرعت باعث پیشگیری از امکان مخالفت می‌شود. در حالی که سرعت باعث گسترش مخالفت‌ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید شد. علت عمده تبعیدهای اصلاحات ارضی ناشی از نپرداختن بهره مالکانه، و ایجاد اختلال در امر زراعت بود. تعداد تبعیدهای انجام‌شده و کنش سیاسی تبعیدیان بعد از پایان مدت تبعید نشان می‌دهد که جز در موارد استثنایی، مالکان و زارعان شرایط جدید را پذیرفته‌اند که بخشی از آن به علت جذابیت‌های اجرای قانون اصلاحات ارضی بوده است و پاره‌ای دیگر به عملکرد کمیسیون برمی‌گردد؛ زیرا تبعید افراد در حین اجرای قانون می‌توانسته است آن‌ها را از مزایای اجرای قانون محروم کند. این تبعیدها از سال ۱۳۴۱ شروع شد و در سال ۱۳۴۲ به اوج رسید. در اکثر موارد مدت تبعید دو ماه بود و تبعیدگاه را استان‌های مجاور تعیین می‌کردند. مدت تبعید و انتخاب تبعیدگاه نشان می‌دهد که هدف از تبعید، سربراه کردن زارعان و وادار کردن آن‌ها به پذیرش اصلاحات ارضی و پرداخت بهره مالکانه بوده است. کاهش میزان تبعیدها بعد از سال ۱۳۴۲ نشان می‌دهد که چون از میزان مخالفت‌ها کاسته شده است، به تبع آن میزان تبعیدها هم کم شده است.

هدف از این نوع تبعید فقط تنبیه متمردان و اختلال‌گران در اجرای قانون اصلاحات ارضی بوده است. ابراز ندامت این افراد، بخشش در هنگام جشن تاج‌گذاری و در ادامه وجود ماده قانونی برای عفو پس از گذشت یک‌چهارم از زمان محکومیت نشان می‌دهد که حکومت فقط به دنبال دور کردن موقتی مخالفان اصلاحات ارضی از محل برای اجرای آسان‌تر این قانون بوده است و این تبعیدها جنبه پیشگیرانه داشته است و با اجرای قانون لازم نبوده است این افراد در تبعید بمانند. در مجموع عملکرد کمیسیون امنیت اجتماعی در تبعید مخالفان اصلاحات ارضی مثبت ارزیابی می‌شود. اگر این کمیسیون و این کیفر نبود، با توجه به سرعت مجریان، واکنش‌ها خشن‌تر می‌شد و اجرای قانون را با مشکل مواجه می‌کرد. این حد از خشونت برای اجرای قانون اصلاحات ارضی لازم بوده است؛ موضوعی که هانتینگتون هم به آن اذعان دارد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۹۳-۶۹۰۴؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۳؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۵؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۶؛ ۲۹۳-۲۳۳۳۲؛ ۲۹۳-۲۴۷۰۹؛ ۲۹۳-۳۰۸۳۷؛ ۲۹۳-۳۵۵۲۹؛ ۲۹۳-۳۸۵۲۹؛ ۲۹۳-۵۵۴۶۲؛ ۲۹۳-۶۰۰۰۴-۲۹۳؛ ۲۹۳-۶۵۰۲۹؛ ۳۵۰/۲۸۵۸؛ ۹۱/۲۹۳/۱۳؛ ۹۱/۲۹۳/۱۰۷؛ ۹۱/۲۹۳/۳۷۲؛ ۹۱/۲۹۳-۴۱۳؛ ۹۱/۲۹۳/۴۷۷؛ ۹۱/۲۹۳/۵۶۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۵۵۸؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۰۲؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۳۲؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۶؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۷۴؛ ۹۱/۲۹۳/۵۰۰۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۶۶-۳۶۴-۹۷؛ ۹۱/۲۹۳/۱۲۰۶؛ ۹۱/۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۹۱/۲۹۳/۵۴۶۵؛ ۹۱/۲۹۳-۱۷۵۴-۲۹۳-۹۸؛ ۹۱/۲۹۳-۱۶۶-۳۶۴-۹۷-۱۲۰۶-۲۹۳-۱۲۰۶؛ ۹۱/۲۹۳-۱۰۰۵۱-۲۹۳-۹۸؛ ۹۱/۲۹۳-۹۲۷-۲۹۳-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳-۱۳۱۱-۲۹۳-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳-۱۳۱۳-۲۹۳-۹۹-۱۷۵۵-۹۱/۲۹۳-۸۴۶۱-۹۸؛ ۹۱/۲۹۳-۳۲۲۰-۲۹۳-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳-۳۸۱۰-۲۹۳-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳-۶۲۴۷-۲۹۳-۹۹-۶۵۳۳-۲۹۳-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳-۷۸۰۴-۲۹۳-۹۹-۹۷۹۲-۲۹۳-۹۹.

کتاب

ارسنجان، حسن. (اسفند ۱۳۴۱). *اولین کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستایی ایران*. تهران: انتشارات سازمان اطلاعات و وزارت جهاد کشاورزی.

اشرف، احمد؛ بنوعزیزی، علی. (۱۳۸۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب ایران در ایران*. (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.

بازیار، همتا. (۱۳۵۰). *شاه و انقلاب سفید جلد ۳: اصلاحات ارضی، شرکت تعاونی روستایی، شرکت سهامی زراعی*. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

پهلوی، محمدرضا. (بی تا). *انقلاب سفید*. بی جا: بی نا.

تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، مبارزین راه آرمان کارگر. (۱۳۵۷). بی جا: بی نا.

خاطرات دکتر علی امینی. (۱۹۸۶). بنیاد مطالعات ایران برنامه تاریخ شفاهی. مصاحبه کننده هرمز حکمت، پاریس.

راهنمای مأموران اصلاحات ارضی. (۱۳۴۴). تهران: انتشارات سازمان اصلاحات ارضی کل کشور.

ژوکف، یوری آلکساندروویچ؛ و دیگران. (۱۳۵۷). *ضرورت اصلاحات ارضی و اجتماعی در جهان سوم*. (حسین اسدپور پیرانفر، مترجم). تهران: بی نا.

سازمان اصلاحات ارضی. (۱۳۴۲). *گزارش اول بهمن ۱۳۴۰ تا پایان شهریور ۱۳۴۲*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

سازمان اصلاحات ارضی. (۱۳۵۰). *گزارش سال ۱۳۵۰-۱۳۴۰*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

سازمان چریک‌های فدائی خلق. (۱۳۵۸). *مسئله ارضی در ویتنام*. تهران: انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق.



سالور، عباس. (۱۳۹۴). *گفت و گو با عباس سالور*. (مرتضى رسولى پور، تدوين گر). تهران: موسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران.

فرمان همایونی راجع به تقسیم املاک سلطنتی به انضمام مجموعه قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات ارضی و وظایف وزارت تعاون و امور روستاها. (۱۳۵۱). تهران: بی نا.

ویلسون، آندرو. (۱۳۵۹). *کمونیسم: وعده و عمل*. تهران: نهضت آزادی رهبری ایران.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۹۶۸). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. (چ ۵). (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علم.

هوگلند، جیمز اریک. (۱۹۸۲). *زمین و انقلاب در ایران*. (فیروزه مهاجر، مترجم). تهران: پردیس دانش.

مقاله

قلی زاده، محمدرضا؛ سعیدی نیا، حبیب الله؛ شهوند، علی. (۱۳۹۷ زمستان). «یک نمونه از موانع بر سر راه اصلاحات ارضی: قتل رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد در آبان ۱۳۴۱». *گنجینه اسناد*، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۵۲-۸۷.

نیازمند شیرازی، یدالله. (۱۳۴۴). «موارد اختلاف مالک و زارع». چاپ شده در کتاب *راهنمای مأموران اصلاحات ارضی*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

روزنامه

روزنامه *اتحاد ملی*، شماره ۱۷۱۸، ۱۳۴۱/۴/۲۶.

روزنامه *اراده آذربایجان*، شماره ۴۵۸، ۱۳۴۱/۴/۲۳.

روزنامه *اطلاعات*: شماره ۱۰۵۵۶، ۱۳۴۰/۴/۲۶؛ شماره ۱۰۵۵۷، ۱۳۴۰/۴/۲۷؛ شماره ۱۰۸۴۷، ۱۳۴۱/۴/۲۳؛ شماره ۱۰۹۲۲، ۱۳۴۱/۷/۲۲؛ شماره ۱۰۹۵۸، ۱۳۴۱/۹/۴؛ شماره ۱۱۰۱۷، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶؛ شماره ۱۱۰۱۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۸.

روزنامه *دیپلمات*، شماره ۴۰۷، ۱۳۴۱/۵/۳.

روزنامه *کیهان/بیترنشال* تهران، فوریه ۱۹۷۳.

روزنامه *کیهان*، شماره ۵۸۱۰، ۱۳۴۱/۹/۴؛ شماره ۵۸۶۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶.

روزنامه *مرد مبارز*، شماره ۵۴۵، ۱۳۴۱/۲/۲۹.

منابع لاتین

James, Alban, Bill. (1972). *The politics of Iran: groups, classes and modernization*.

Columbus, Ohio: Merrill.



- Lambton, Ann K. S. (1969). *The Persian Land Reform, 1962-1966*. Oxford: Clarendon Press.
- “Prime Minister Ali Amini”. (1963). Quoted in Donald Newton Wilber, *Contemporary Iran*. Newyork: praeger.
- Warriner, Doreen. (1969). *Land reform in principle and practice*. Oxford: Clarendon Press.

English Translation of References

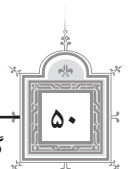
Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketāābxāāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

293-6904; 293-12973; 293-12975; 293-12976; 293-23332; 293-24709; 293-30837; 293-35529; 293-38529; 293-55462; 293-60004; 293-65029; 350/2858; 91/293/13; 91/293/107; 91/293/372; 91-293-413; 91/293/477; 91/293/564//; 91/293/1558; 91/293/1802; 91/293/1813; 91/293/1832; 91/293/1894; 91/293/1924; 91/293/1926; 91/293/2508; 91/293/2574; 97/293/5004; 97-364-166; 97/293/1206; 97/293/5286; 97/293/5465; 98-293-1754; 98-293-7347; 98/293/8461; 98-293-10051; 99-293-927; 99-293-1311; 99-293-1313; 99-293-1755; 99-298-2923; 99-293-3220; 99-293-3810; 99-293-6247; 99-293-6533; 99-293-7804; 99-293-9792.[Persian]

Books

- Arsanjani, Hassan. (1341, Esfand / 1963, March). “*Avvalin kongere-ye melli-ye šerkat-hā-ye ta’āvoni-ye ruštāyi-ye Irān*” (The first national congress of rural cooperatives of Iran). Tehran: Entešārāt-e Sāzmān-e Ettelā’āt-e Vezārat-e Jahād-e Kešāvarzi (Ministry of Agriculture -Jahad).[Persian]
- Ashraf, Ahmad; & BanouAzizi, Ali. (1388/2009). “*Tabaqāt-e ejtemāee, dowlat va enqelāb-e Irān dar Irān*” (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays). Translated by Soheila TorabiFarsani. Tehran: Nilufar.[Persian]
- Bazyar, Homataj. (1350/1971). “*Šāh va enqelāb-e sefid, jeld-e 3: Eslāhāt-e arzi, šerkat-e ta’āvoni roustāyi, šerkat-e sahāmi-ye zerāee*” (Shah and the White



- Revolution, Volume 3: Land reform, rural cooperative company, agricultural joint stock company). Tehran: Enteshārāt-e Edāre-ye koll-e Negāreš-e Vezārat-e Farhang va Honar (Publications of the Ministry of Culture and Arts).[Persian]
- “Farmān-e homāyouni rāje’ be taqsim-e amlāk-e saltanati be enzemām-e majmou’e qavānin va moqarrarāt marbut be Eslāhāt-e arzi va vazāyef-e vezārat-e ta’āvon va omur-e rustā-hā”** (The royal decree on the division of royal property, including the set of laws and regulations related to land reform and the duties of the Ministry of Cooperatives and Rural Affairs). (1351/1972). Tehran: n. p.[Persian]
- Hooglund, Eric James. (1982). **“Zamin va Enqelāb dar Irān”** (Land and revolution in Iran, 1960 - 1980). Translated by Firouzeh Mohajer. Tehran: Pardis-e Dāneš. [Persian]
- Huntington, Samuel P. (1968). **“Sāmān-e siāsi dar javāme’-e dašt-xoš-e degarguni”** (Political order in changing societies) (5th ed.). translated by Mohsen Solasi. Tehran: Našr-e ‘Elm.[Persian]
- James, Alban, Bill. (1972). **The politics of Iran: Groups, classes and modernization**. Columbus, Ohio: Merrill.
- Lambton, Ann K. S. (1969). **The Persian land reform, 1962–1966**. Oxford: Clarendon Press.
- Pahlavi, Mohammadreza. (n. d.). **“Enqelāb-e sefid”** (The White Revolution). [n. p.]: n. p.[Persian]
- “Rāhnamā-ye Ma’murān-e Eslāhāt-e arzi”** (A guide for land reform officers). (1344/1965). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi-ye Koll-e Kešvar (Publications of the Land Reform Organization).[Persian]
- Salour, Abbas. (1394/2015). **“Goftegu bā Abbās-e Sālur”** (Interview with Abbas Salour). Edited by Morteza Rasoulipour. Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies).[Persian]
- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization). (1342/1963). **“Gozāreš-e avval-e Bahman tā pāyān-e Šahrivar-e 1342”** (The report of Bahman first, 1340 (January 21st, 1962) to the end of Shahrivar, 1342 (September, 1963)). Tehran:



- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization).[Persian]
- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization). (1350/1971). *“Gozāreš-e sāl-e 1340-1350”* (The report of the year 1961 to 1971). Tehran: Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization).[Persian]
- Sāzmān-e Āserik-hā-ye Fadāee-ye Xalq (The Organization of Iranian People's Fedai Guerrillas). (1358/1979). *“Mas'ale-ye arz idar Vietnām”* (Land issue in Vietnam). Tehran: Sāzmān-e Āserik-hā-ye Fadāee-ye Xalq (The Organization of Iranian People's Fedai Guerrillas).[Persian]
- “Tahlili az šarāyet-e jāme'e-ye roustāyi dar Irān, mobārezin-e rāh-e ārmān-e kārgar”* (An analysis of the conditions of the rural society in Iran, fighters of the worker's goals). (1357/1978). [n. p.]: n. p.[Persian]
- Warriner, Doreen. (1969). *Land reform in principle and practice*. Oxford: Clarendon Press.
- Wilson, Andrew. (1359/1980). *“Komonism: Va'deh va amal”* (Communism: Promise and practice). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Rahbari-ye Irān (Freedom Movement of Iran) (FMI). [Persian]
- “Xāterāt-e doktor Ali Amini”* (Dr Ali Amini's memoirs). (1986). Interviewed by Hormoz Hekmat, Paris.[Persian]
- Zhukor, Iurri Aleksandrovich et al. (1357/1978). *“Zarurat-e eslāhāt-e arzi va eĵtemāee dar jahān-e sevvom”* (Необходимость земельной и социальной реформы в странах третьего мира) [The need for land and social reform in the Third World]. Translated by Hossein Asadpour Piranfar. Tehran: n. p.[Persian]

Articles

- Gholizadeh, Mohammadreza; Saeedinia, Habibollah; & Shahvand, Ali. (1397/2019, Winter). “Yeknemunehazmavāne'-e bar sar-e rāh-e Eslāhāt-e arzi: Qatl-e ra'ees-e Eslāhāt-e arzi-ye Firouzabaddar Ābān-e 1341” (Barriers to land reform based in Iran: The case of the murder of government official Malek Aabedi). *Ganjine-ye Asnād*, 28(4), pp. 52-87.[Persian]
- Niazman Shirazi, Yadollah. (1344/1965). “Mavāred-e extelāf-e mālek va zāre” (Cases



of dispute between owner and farmer). In “*Rāhnamā-ye Ma’murān-e Eslāhāt-e arzi*” (A guide for land reform officers). Tehran: Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization).[Persian]

“Prime Minister Ali Amini”. (1963). Quoted in Donald Newton Wilber, *Contemporary Iran*. New York: Praeger.

Newspapers

Erāde-ye Āzarbāyejān, issue number: 458 (1341/4/23 – 1962/7/14).[Persian]

Ettehād-e Melli newspaper, issue number: 1718 (1341/4/26 – 1962/7/17).[Persian]

Ettelā’ā newspaper, issue number: 10556 (1340/4/26 – 1962/7/17); 10557 (1340/4/27 – 1962/7/18); 10847 (1341/4/23 – 1962/7/14); 10922 (1341/7/22 – 1962/10/14); 10958 (1341/9/4 – 1962/11/25); 11017 (1341/11/16 – 1963/2/5); 11019 (1341/11/18 – 1963/2/7).[Persian]

Diplomat newspaper, issue number: 407 (1341/5/3 – 1962/7/25).[Persian]

Keyhān Internāšnāl newspaper, issue number: February 3, 1973.[Persian]

Keyhān newspaper, issue number: 5810 (1341/9/4 – 1962/11/25); 5869 (1341/11/16 – 1963/2/5).[Persian]

Mard-e Mobārez newspaper, issue number: 545 (1341/2/29 – 1962/5/19).[Persian]

